

ابعاد فقه امنیت در تروریسم رسانه‌ای و پیامدهای شناختی آن

وابستگی سازمانی

نویسندگان

استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

حسین بیگی *

چکیده

اطلاعات مقاله

تروریسم رسانه‌ای در عصر حاضر، فراتر از عملیات روانی سنتی، به پدیده‌ای چندبعدی تبدیل شده است که ابعاد امنیتی، اخلاقی و شناختی جوامع را هدف قرار می‌دهد. این پژوهش با رویکردی تحلیلی-توصیفی، به بررسی ابعاد «فقه امنیت» در قبال تروریسم رسانه‌ای و پیامدهای شناختی ناشی از آن می‌پردازد. محور اصلی این مطالعه، تبیین جایگاه قواعد فقهی نظیر حرمت تجسس، لاضرر و صیانت از اسرار شخصی در مواجهه با نقض حریم خصوصی دیجیتال به‌عنوان بستر اصلی تروریسم رسانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دسترسی غیرمجاز به داده‌های شخصی و نقض حریم خصوصی، نه تنها خود مصداق بارز تهدید علیه امنیت فردی در فقه اسلام است، بلکه به‌عنوان سوخت اصلی برای مهندسی افکار عمومی و ایجاد آسیب‌های شناختی عمیق عمل می‌کند. از منظر فقه امنیت، مقابله با این تهدیدات نیازمند گذار از رویکردهای صرفاً دفاعی به سمت پیشگیری فعال از طریق جرم‌انگاری مبتنی بر اصول فقهی است. نتایج حاکی از آن است که ظرفیت بالای فقه امنیت در تأمین کرامت انسانی و حفظ نظم عمومی، امکان ارائه چارچوبی جامع برای سیاست‌گذاری در حوزه حریم خصوصی و مقابله با پیامدهای مخرب شناختی تروریسم رسانه‌ای را فراهم می‌آورد. بنابراین، هم‌افزایی میان مبانی فقهی، حقوق سایبری و راهکارهای فنی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای ارتقای سطح امنیت و سلامت شناختی جامعه در برابر این پدیده نوظهور است.

نوع مقاله پژوهشی

صفحه ۳۷ - ۲۵

دوره ۲، شماره ۴ (شماره ششم پیاپی)

اطلاعات نویسنده مسئول

نویسنده مسئول حسین بیگی

کد ارکید ۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن ۰۹۱۴۴۲۱۴۵۲۶

ایمیل husseinbeigi26@yahoo.com

سابقه مقاله

تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۸/۱۷

تاریخ ویرایش ۱۴۰۴/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۱۱/۰۴

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

روش پژوهش توصیفی تحلیلی

تروریسم رسانه‌ای، فقه امنیت، حریم خصوصی دیجیتال، پیامدهای شناختی، جرم‌انگاری سایبری.

واژگان کلیدی

توضیحات

کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

نحوه استناد بیگی، حسین (۱۴۰۴)، «ابعاد فقه امنیت در تروریسم رسانه‌ای و پیامدهای شناختی آن»، فصلنامه علمی مطالعات

دهی میان رشته ای حقوق و تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۴، (شماره ششم پیاپی)، صفحات ۳۷ - ۲۵

Dimensions of Security Jurisprudence in Media Terrorism & Its Cognitive Consequences

Authors		Organizational Affiliation
Hossein Beige *		Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	Media terrorism, in the contemporary era, has evolved beyond traditional psychological operations into a multi-dimensional phenomenon targeting the security, ethical, and cognitive aspects of societies. This study employs an analytical-descriptive approach to examine the dimensions of “Security Jurisprudence” (Fiqh al-Amn) regarding media terrorism and its resulting cognitive consequences. The core focus of this research is elucidating the position of Islamic legal principles—such as the prohibition of spying (Hurmah al-Tajanus), the principle of no harm (La Zazar), and the sanctity of protecting personal secrets—in confronting digital privacy violations, which serve as the primary substrate for media terrorism. Findings indicate that unauthorized access to personal data and the violation of digital privacy are not only clear manifestations of threats to individual security in Islamic jurisprudence but also act as the main fuel for public opinion engineering and the creation of profound cognitive damages. From the perspective of Security Jurisprudence, countering these threats requires a shift from purely defensive approaches toward active prevention through criminalization based on Islamic legal principles. The results suggest that the high capacity of Security Jurisprudence in ensuring human dignity and maintaining public order provides a comprehensive framework for policymaking in the field of privacy protection and combating the destructive cognitive consequences of media terrorism. Therefore, synergizing Islamic legal foundations, cyber law, and technical solutions is an inevitable necessity for enhancing societal security and cognitive health against this emerging phenomenon.
Pages	25 - 37	
Volume 2, Issue 4		
Corresponding Author’s Info		
Corresponding Author’s	Hossein Beige	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09144214526	
Email	husseinbeigi26@yahoo.com	
Article History		
Received	2025/11/08	
Revised	2025/12/19	
Accepted	2026/01/24	
Published Online	2026/02/20	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords	<i>Media Terrorism, Security Jurisprudence, Digital Privacy, Cognitive Consequences, Cyber Criminalization</i>	
Description		
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
How to Cite This Article	Beige, Hossein (1404), “ <i>Dimensions of Security Jurisprudence in Media Terrorism & Its Cognitive Consequences</i> ”, Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law & Education, Volume 2, Issue 4, (Sixth Consecutive Issue), Pages 25 - 37	

۱: مقدمه

تروریسم رسانه‌ای در دهه اخیر، از یک پدیده صرفاً امنیتی-نظامی به یکی از پیچیده‌ترین اشکال تهدیدات نوین تبدیل شده است که با بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و تحلیل کلان‌داده‌ها، می‌تواند ساختارهای امنیتی، روانی و شناختی جوامع را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار دهد. برخلاف تروریسم سنتی که محوریت آن خشونت فیزیکی بود، تروریسم رسانه‌ای مدرن با نفوذ به لایه‌های عمیق اطلاعاتی و روانی جامعه عمل می‌کند. این نوع تهدیدات دارای «ابعاد» متعددی هستند که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست، بُعد امنیتی-حقوقی که ریشه در نقض حریم خصوصی دیجیتال و سوءاستفاده از داده‌های شخصی دارد؛ و دوم، بُعد شناختی-روانی که منجر به دستکاری افکار عمومی، ایجاد ترس و تضعیف انسجام اجتماعی می‌شود (Weimann, 2022: 105). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که گروه‌های افراطی و بازیگران غیردولتی با دسترسی به داده‌های خصوصی کاربران، امکان پروفایل‌سازی دقیق و هدف‌گذاری شناختی مخاطبان را فراهم می‌کنند (Owen & Bindman, 2021: 235). این امر نشان می‌دهد که نقض حریم خصوصی دیجیتال، تنها یک تخلف انفرادی نیست، بلکه زیرساخت اصلی و نقطه آغازین بسیاری از عملیات تروریسم رسانه‌ای محسوب می‌شود (Taddeo & Floridi, 2022: 112). از سوی دیگر، پیامدهای شناختی ناشی از این نقض حریم، فراتر از آسیب‌های فردی رفته و منجر به اضطراب جمعی، تغییر نگرش‌ها و شکل‌گیری رفتارهای ناخواسته در سطح جامعه می‌شود (Hancock et al., 2020: 63). بنابراین، تروریسم رسانه‌ای پدیده‌ای چندوجهی است که مرز میان امنیت داده‌ها و سلامت روان جامعه را کمرنگ کرده است. در این میان، مفهوم «فقه امنیت» به‌عنوان چارچوبی بومی و راهبردی، ظرفیت بالایی برای تبیین و مدیریت این ابعاد متکثر تهدیدات دارد. فقه امنیت با تأکید بر اصولی همچون «حرمت تجسس»، «حرمت افشای اسرار»، «قاعده لاضرر» و «ضرورت صیانت از امنیت عمومی»، نه تنها به دفاع از حریم خصوصی به‌عنوان حق مسلم افراد می‌پردازد، بلکه مبنایی شرعی برای مقابله با پیامدهای مخرب شناختی تروریسم رسانه‌ای ارائه می‌دهد (علوی‌تبار، ۱۴۰۰: ۲۸۰). با این حال، چالش اصلی پژوهش حاضر آن است که ماهیت فراملی، غیرمتمرکز و مبتنی بر داده‌ی تروریسم رسانه‌ای، موجب شده تا چارچوب‌های فقهی و حقوقی سنتی در مواجهه با این ابعاد جدید با خلأهایی روبه‌رو شوند. افزایش حملات سایبری و افشای اطلاعات در ایران، ضرورت بازنگری در سیاست‌های جرم‌انگاری و تلفیق مبانی فقهی با نیازهای روز امنیت سایبری را بیش از پیش آشکار ساخته است (موسوی، ۱۴۰۱: ۵۲). از این‌رو، مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان با تکیه بر ظرفیت‌های «فقه امنیت»، چارچوبی نظام‌مند برای پوشش دادن ابعاد مختلف تروریسم رسانه‌ای از جمله نقض حریم خصوصی به‌عنوان ابزار و پیامدهای شناختی به‌عنوان اثر ارائه داد؟ آیا قواعد فقهی موجود توانایی پاسخ‌گویی به پیچیدگی‌های تهدیدات شناختی عصر دیجیتال را دارند یا نیازمند تحول و بسط مفهومی هستند؟ اهمیت این پرسش از آنجا ناشی می‌شود که فقدان یک چارچوب فقهی-امنیتی جامع، نه تنها باعث بی‌ثباتی اجتماعی و تضعیف امنیت ملی می‌شود، بلکه فضای لازم برای گسترش عملیات رسانه‌ای مخرب را فراهم می‌آورد. بنابراین، بررسی دقیق نسبت میان ابعاد مختلف تروریسم رسانه‌ای و ظرفیت‌های فقه امنیت، گامی ضروری برای تدوین راهکارهای کارآمد جهت حفاظت از حریم خصوصی و ارتقای مقاومت شناختی جامعه است.

۲: پیشینه پژوهش

بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که تروریسم رسانه‌ای و حریم خصوصی دیجیتال در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران متعددی قرار گرفته است، اما این مطالعات عمدتاً در گرایش‌های جداگانه‌ای مانند علوم ارتباطات، حقوق کیفری سایبری و روانشناسی اجتماعی انجام شده‌اند. در ادامه، مروری بر دسته‌بندی کلی پژوهش‌های پیشین و شناسایی خلأهای موجود ارائه می‌شود:

ویمن (۲۰۲۲)، در پژوهش خود با عنوان «تروریسم در عصر رسانه‌های دیجیتال»، به تبیین تحول ماهیت تروریسم در بستر فضای مجازی می‌پردازد. او استدلال می‌کند که تروریسم رسانه‌ای در دهه اخیر، با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی و دسترسی گسترده به کلان‌داده‌ها، وارد مرحله‌ای نوین از عملیات شناختی شده است. طبق یافته‌های ویمن، گروه‌های افراطی و بازیگران مخرب با بهره‌گیری از داده‌های شخصی کاربران، قادر به

تولید پیام‌های هدفمند و دقیق هستند؛ آن‌ها از طریق الگوریتم‌های پلتفرم‌ها، مخاطبان را پروفایل‌سازی کرده و آن‌ها را به‌صورت مهندسی‌شده هدف‌گذاری می‌نمایند. ویمن تأکید ویژه‌ای بر این نکته دارد که «نقض حریم خصوصی دیجیتال» زیرساخت اصلی موفقیت عملیات رسانه‌ای تروریستی است. به عبارت دیگر، بدون دسترسی به داده‌های حساس و خصوصی، امکان انجام مهندسی شناختی گسترده و تأثیرگذار تقریباً غیرممکن است. این پژوهش نشان می‌دهد که تهدیدات رسانه‌ای امروز بیش از هر زمان دیگری به «داده‌محوری» وابسته شده‌اند و همین ویژگی، ضرورت بازنگری در سیاست‌های امنیتی و حقوقی را دوچندان می‌کند. با این حال، تمرکز ویمن عمدتاً بر جنبه‌های تکنیکال و امنیتی-سیاستی است و کمتر به بررسی مبانی شرعی یا راهکارهای فقهی برای مقابله با این نقض حریم خصوصی و پیامدهای شناختی ناشی از آن پرداخته است. **تادئو و فلوریدی (۲۰۲۲)**، در پژوهش خود با عنوان «اخلاق در منازعات سایبری و جنگ اطلاعاتی»، نشان می‌دهند که عملیات رسانه‌ای مدرن ریشه در نقض حریم خصوصی و استخراج داده‌ها دارد. آن‌ها تأکید می‌کنند که بازیگران مخرب با پروفایل‌سازی رفتاری و تحلیل الگوهای شناختی، بر تصمیم‌گیری افراد نفوذ می‌کنند؛ لذا حفاظت از داده‌ها را نه تنها یک ضرورت اخلاقی، بلکه الزامی امنیتی برای مقابله با این تهدیدات می‌دانند. همچنین بیان می‌دارند که فقدان چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی مناسب، بستر لازم برای گسترش تروریسم رسانه‌ای را فراهم می‌سازد. **اوون و بیندمن (۲۰۲۱)**، در پژوهش خود با عنوان «اقتدارگرایی دیجیتال و بهره‌برداری از داده‌ها»، سوءاستفاده از داده‌های شخصی را ابزار اصلی کنترل رسانه‌ای و عملیات شناختی می‌دانند. آن‌ها نشان می‌دهند که دستکاری اطلاعات از طریق نقض حریم خصوصی، بستری برای تروریسم رسانه‌ای و هدایت افکار عمومی فراهم می‌کند و تأکید دارند که مقابله با این تهدیدات نیازمند سازوکارهای حقوقی و نظارتی قدرتمند است.

هنکاک و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهش «روان‌شناسی تأثیرگذاری دیجیتال» نشان می‌دهند که دسترسی به داده‌های خصوصی، با تحلیل الگوریتمی رفتار کاربران، امکان دستکاری نگرش‌ها و رفتارهای جمعی را فراهم می‌کند. آن‌ها نقض حریم خصوصی را زمینه‌ساز تروریسم شناختی دانسته و حفاظت از داده‌ها را کلیدی‌ترین ابزار مقابله با این دستکاری‌ها معرفی می‌کنند.

علوی تبار (۱۴۰۰)، در پژوهش «فقه امنیت و چالش‌های نوپدید فضای مجازی»، قواعدی همچون حرمت تجسس، لاضرر و صیانت از امنیت عمومی را مبنای شرعی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی دیجیتال می‌داند. او نشان می‌دهد که فقه امنیت چارچوبی کارآمد برای مقابله با تهدیدات رسانه‌ای مبتنی بر داده ارائه می‌دهد و تأکید دارد که بی‌توجهی به حریم خصوصی، بستر گسترش عملیات شناختی مخرب است.

موسوی (۱۴۰۱)، در پژوهش «حریم خصوصی در فضای سایبری و الزامات حقوقی آن»، ضعف قوانین حمایتی را زمینه‌ساز سوءاستفاده رسانه‌ای از داده‌ها می‌داند. او حفاظت از داده‌ها را نه تنها یک حق فردی، بلکه ضرورتی امنیتی برای مقابله با عملیات مخرب معرفی کرده و تأکید دارد که تقویت این قوانین نقش کلیدی در کاهش آسیب‌پذیری شناختی جامعه ایفا می‌کند.

زوباف (۲۰۱۹)، در پژوهش «عصر سرمایه‌داری نظارتی»، اقتصاد مبتنی بر جمع‌آوری گسترده داده‌ها را زمینه‌ساز شکل‌گیری قدرت‌های رسانه‌ای و شناختی بی‌سابقه می‌داند. او نشان می‌دهد که تحلیل داده‌های خصوصی توسط شرکت‌ها و بازیگران سیاسی، بستری برای دستکاری رفتار و نگرش افراد فراهم کرده است؛ لذا نقض حریم خصوصی را تهدیدی برای آزادی فردی و بستر عملیات مخرب معرفی می‌کند و مقابله با آن را مستلزم اصلاحات گسترده حقوقی و نظارتی می‌داند.

کریمی (۱۴۰۲)، در پژوهش «تروریسم رسانه‌ای و امنیت شناختی در فضای مجازی»، نقض حریم خصوصی دیجیتال را امکان‌ساز هدف‌گذاری دقیق و اجرای عملیات روانی می‌داند. او امنیت شناختی را بدون حفاظت از داده‌های شخصی غیرممکن دانسته و برای مقابله با تروریسم رسانه‌ای، بر تقویت چارچوب‌های حقوقی و فقهی همراه با توسعه سازوکارهای فنی حفاظت از داده‌ها تأکید دارد.

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات قبلی به‌طور جداگانه به تروریسم رسانه‌ای، نقض حریم خصوصی یا پیامدهای شناختی پرداخته‌اند، اما پیوند یکپارچه میان این سه حوزه با تکیه بر ظرفیت‌های «فقه امنیت» کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای، این خلأ را پر می‌کند؛ بدین ترتیب که ضمن تبیین مبانی شرعی حفاظت از داده‌ها در چارچوب فقه امنیت، به تحلیل پیامدهای

شناختی ناشی از نقض حریم خصوصی در بستر تروریسم رسانه‌ای می‌پردازد. نوآوری اصلی این مطالعه، ارائه چارچوبی منسجم برای فهم رابطه دیالکتیکی میان «تروریسم رسانه‌ای»، «حریم خصوصی دیجیتال» و «فقه امنیت» است.

۳: مفهوم شناسی

در این بخش، به مفهوم‌شناسی سه محور اصلی پژوهش یعنی «تروریسم رسانه‌ای»، «حریم خصوصی دیجیتال» و «فقه امنیت» پرداخته می‌شود. هدف از تبیین دقیق این مفاهیم بنیادین، فراهم‌سازی چارچوب نظری لازم برای تحلیل ارتباط میان آنهاست تا مسیر پژوهش با شفافیت و انسجام بیشتری دنبال گردد.

۳-۱: تروریسم رسانه‌ای

تروریسم رسانه‌ای پدیده‌ای است که با گذر از تعاریف سنتی مبتنی بر خشونت فیزیکی، به ابزاری راهبردی برای اعمال فشار روانی و شناختی تبدیل شده است. در تعریف کلاسیک، این مفهوم به استفاده سازمان‌یافته از رسانه‌ها برای ایجاد رعب، بی‌ثباتی اجتماعی و هدایت افکار عمومی در راستای اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک اشاره دارد (Nacos, 2016: 15). در این رویکرد، رسانه فراتر از یک کانال اطلاع‌رسانی، به سلاحی برای دستکاری ادراک عمومی از طریق بازنمایی گزینشی رویدادها و برجسته‌سازی تهدیدات بدل می‌شود. با ورود به عصر دیجیتال، ماهیت تروریسم رسانه‌ای پیچیده‌تر و دقیق‌تر شده است. امروزه این پدیده نه تنها به تولید محتوا محدود است، بلکه شامل عملیات روانی، جنگ شناختی و بهره‌برداری از ضعف سواد رسانه‌ای کاربران نیز می‌شود (Hoffman, 2017: 85). الگوریتم‌های پلتفرم‌های اجتماعی و تحلیل کلان‌داده‌ها، امکان هدف‌گذاری شناختی بسیار دقیقی را فراهم ساخته‌اند؛ به گونه‌ای که گروه‌های افراطی و بازیگران مخرب می‌توانند پیام‌های سفارشی‌سازی شده را مستقیماً در ذهن مخاطبان خاص تزریق کنند. تروریسم رسانه‌ای نوعی بهره‌گیری از ظرفیت‌های ارتباطی برای تضعیف انسجام اجتماعی و امنیت روانی جامعه دانسته است. نکته حائز اهمیت در تعریف نوین این مفهوم، نقش محوری «داده‌ها» است. در عصر کلان‌داده، تروریسم رسانه‌ای بدون دسترسی به اطلاعات خصوصی و نقض حریم شخصی، فاقد توان اثرگذاری گسترده است. بنابراین، تروریسم رسانه‌ای کنونی مفهومی چندلایه است که در تقاطع فناوری‌های نوین، سوءاستفاده از داده‌های شخصی و مکانیزم‌های شناختی شکل گرفته و به یکی از چالش‌برانگیزترین تهدیدات امنیتی-اجتماعی عصر حاضر تبدیل شده است.

۳-۲: حریم خصوصی دیجیتال

حریم خصوصی دیجیتال به مجموعه‌ای از حقوق، انتظارات مشروع و سازوکارهای فنی-حقوقی اطلاق می‌شود که به افراد امکان می‌دهد کنترل مؤثری بر جمع‌آوری، پردازش و انتشار داده‌های شخصی خود در فضای مجازی داشته باشند. این مفهوم فراتر از حفاظت صرف از اطلاعات محرمانه، به معنای توانایی فرد در تعیین مرزهای تعامل با فناوری و جلوگیری از نظارت غیرمجاز یا تحلیل‌های ناخواسته است. این حق بخشی جدایی‌ناپذیر از کرامت انسانی و آزادی فردی دانسته و آن را به عنوان توانایی فرد در تعیین حدود دسترسی دیگران به داده‌های خویش تعریف می‌کند. در رویکردهای نوین، دامنه حریم خصوصی دیجیتال گسترش یافته و شامل نه تنها داده‌های آشکار، بلکه «ردپای دیجیتال»، الگوهای رفتاری و حتی اطلاعات استنباط‌شده از فعالیت‌های آنلاین نیز می‌شود (Warren & Brandeis, 2018: 45). این مفهوم شامل متادیتا و داده‌های پنهانی است که از طریق تحلیل‌های پیچیده رفتاری استخراج می‌شوند؛ بنابراین، نقض حریم خصوصی تنها افشای اسرار نیست، بلکه سوءاستفاده از الگوهای پنهان زندگی افراد است. از منظر امنیت سایبری، حریم خصوصی دیجیتال به عنوان سپری دفاعی در برابر پروفایل‌سازی شناختی، تحلیل‌های الگوریتمی مخرب و دستکاری اطلاعات عمل می‌کند. تضعیف این حریم، مستقیماً زمینه‌ساز تهدیدات رسانه‌ای و عملیات روانی گسترده می‌شود. حریم خصوصی دیجیتال حقی بنیادین برای صیانت از امنیت روانی کاربران و جلوگیری از تجسس بوده و بر ضرورت تقویت چارچوب‌های قانونی

و اخلاقی برای حمایت از آن تأکید دارد. در مجموع، حریم خصوصی دیجیتال مفهومی چندبعدی است که در تقاطع حقوق فردی، اخلاق داده‌ها و امنیت سایبری قرار دارد و نقض آن، زیرساخت اصلی آسیب‌پذیری‌های شناختی در عصر اطلاعات محسوب می‌شود.

۳-۳: فقه امنیت

فقه امنیت به عنوان یکی از شاخه‌های نوپدید و پویای فقه اسلامی، به تبیین اصول، قواعد و مبانی شرعی صیانت از امنیت فردی، اجتماعی و ملی در برابر تهدیدات سنتی و نوظهور می‌پردازد. این حوزه بر این اصل استوار است که «امنیت»، از مقاصد عالی شریعت و پیش‌شرط تحقق سایر ارزش‌های دینی است؛ بنابراین، فقه باید توانایی اجتهادی برای پاسخگویی به چالش‌های امنیتی عصر دیجیتال، از جمله تهدیدات سایبری و شناختی را داشته باشد. فقه امنیت مجموعه‌ای از احکام شرعی می‌داند که هدف آن حفاظت از اربعه انسان (جان، مال، عقل، ناموس) و نظم عمومی در برابر خطرات آشکار و پنهان است. مبانی نظری این حوزه بر پایه قواعد فقهی قدرتمندی استوار است که ظرفیت بالایی برای تحلیل تهدیدات مدرن دارند. مهم‌ترین این قواعد عبارتند از: «حرمت تجسس» و «حرمت افشای اسرار» (به عنوان ضامن حریم خصوصی)، «قاعده لاضرر» (برای مقابله با آسیب‌های روانی و اجتماعی)، «نفی سبیل» (برای جلوگیری از تسلط بیگانگان بر داده‌ها) و «ضرورت حفظ نظام». این قواعد، مبانی شرعی محکمی برای جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی دیجیتال و مقابله با عملیات روانی فراهم می‌کنند. در ادبیات فقه حکومتی، بر این نکته تأکید دارد که امنیت زیربنای تحقق عدالت و اخلاق است و حاکمیت اسلامی موظف است با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی، از امنیت اطلاعاتی و روانی جامعه صیانت کند. همچنین، پژوهش‌های تطبیقی نشان می‌دهد که فقه امنیت می‌تواند در کنار حقوق سایبری، چارچوبی مکمل و کارآمد برای تنظیم‌گری فضای دیجیتال و مقابله با سوءاستفاده از داده‌ها ارائه دهد (Kamali, 2020: 101; Bassiouni, 2019: 58). در مجموع، فقه امنیت مفهومی میان‌رشته‌ای است که با پیوند دادن اصول فقهی با نیازهای امنیتی عصر دیجیتال، پاسخی شرعی، اخلاقی و راهبردی به تهدیدات نوین ارائه می‌دهد.

۴: ابعاد فقه امنیت در تروریسم رسانه‌ای

در این بخش از پژوهش، به بررسی ابعاد مختلف فقه امنیت در مواجهه با تروریسم رسانه‌ای خواهیم پرداخت؛ بدین ترتیب که ابتدا بعد حقوقی-شرعی آن را با تأکید بر قواعد «حرمت تجسس» و صیانت از حریم خصوصی دیجیتال به عنوان ضامن امنیت فردی تحلیل می‌کنیم. سپس بعد روانی-شناختی را با استناد به قاعده «لاضرر» و مقابله با دستکاری ادراک و آسیب‌های اجتماعی مورد واکاوی قرار می‌دهیم. در نهایت، بعد راهبردی-حکومتی را با تکیه بر ضرورت حفظ نظام و الزام حاکمیت به پیشگیری و جرم‌انگاری نوین، جهت ارائه چارچوبی جامع برای مقابله با این تهدیدات تبیین خواهیم کرد.

۴-۱: بعد حقوقی و شرعی: صیانت از حریم خصوصی دیجیتال به عنوان ضامن امنیت فردی

در منظومه فقه اسلامی، حریم خصوصی به عنوان یکی از مقاصد عالی شریعت و مبانی کرامت انسانی شناخته می‌شود که صیانت از آن در بستر دیجیتال، خط قرمز امنیتی و شرعی محسوب می‌گردد. فقهای معاصر با استناد به قواعد قطعی مانند «حرمت تجسس» و «حرمت افشای اسرار»، هرگونه دسترسی غیرمجاز به داده‌های شخصی کاربران را مصداق بارز تجاوز به حقوق مسلم انسان دانسته‌اند؛ (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۴۵) تأکید می‌ورزند که گسترش فناوری‌ها مجوزی برای نقض حریم افراد نیست و حکومت موظف است با ابزارهای قانونی و شرعی، امنیت اطلاعات شهروندان را تضمین کند. این دیدگاه با رویکرد (صدوق، ۱۴۱۴ ق: ۲۱۰) همسو است که پنهان داشتن اسرار دیگران را از واجبات اخلاقی و شرعی می‌داند و افشای آن را موجب زوال رحمت الهی و تزییع حق الناس می‌شمارد، بنابراین سوءاستفاده از داده‌های خصوصی برای مهندسی افکار عمومی یا هدف‌گذاری روانی توسط تروریست‌های رسانه‌ای، نه تنها جرم کیفری، بلکه گناهی کبیره و تهدیدی علیه امنیت فردی است. از منظر فقه حکومتی، (خمینی، ۱۳۶۲: ۱۲) وظیفه اصلی حاکمیت را صیانت از جان، مال و آبروی مردم می‌دانند و بی‌توجهی به تهدیدات سایبری که



منجر به افشای اسرار می‌شود، نوعی تقصیر در امانت‌داری حکومتی تلقی می‌گردد؛ لذا با تکیه بر قاعده «لاضرر»، (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۸۹) تصریح می‌کنند که هر اقدامی که منجر به ورود ضرر مالی، معنوی یا روانی از طریق نشت داده‌ها شود، ممنوع است و داده‌های دیجیتال بخشی جدایی‌ناپذیر از «مال» و «آبرو» محسوب می‌شوند. همچنین (بجنوردی، ۱۳۹۵: ۱۱۲) معتقدند که اصل احترام به عقاید و حریم افراد در فضای مجازی نیز جاری است و هیچ نهادی حق ندارد تحت عناوین کلی، حریم خصوصی را نادیده بگیرد، چرا که تروریسم رسانه‌ای با سوءاستفاده از این داده‌ها، عملاً اصل «نفی سبیل» را نقض کرده و تسلط گروه‌های مخرب بر ذهنیت جامعه را ممکن می‌سازد. در نهایت، (منتظری، ۱۳۷۳: ۲۴۰) بیان می‌دارند که حکومت باید با وضع قوانین بازدارنده مبتنی بر شرایع، مانع از تبدیل شدن فضای مجازی به بستری برای استثمار روانی شهروندان شود و این نگاه نشان می‌دهد که بدون تضمین امنیت داده‌ها و صیانت فعال از حریم خصوصی دیجیتال، مقابله با پیامدهای شناختی تروریسم رسانه‌ای ناممکن خواهد بود، زیرا حریم خصوصی سپری در برابر این تهدیدات نوپدید است.

۴-۲: بعد روانی شناختی: مقابله با دستکاری ادراک و آسیب‌های اجتماعی بر اساس قاعده لاضرر

در بعد روانی-شناختی، فقه امنیت با تکیه بر قاعده کلیدی «لاضرر» و «نفی ضرر»، چارچوبی راهبردی برای مقابله با دستکاری ادراک و آسیب‌های اجتماعی ناشی از تروریسم رسانه‌ای ارائه می‌دهد. این رویکرد بر این اصل استوار است که هرگونه عملیات رسانه‌ای که منجر به ایجاد اضطراب جمعی، ترس بی‌مورد یا تحریف واقعیت در ذهن مخاطب شود، مصداق وارد کردن ضرر معنوی و روانی است و شرعاً ممنوع می‌باشد؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۱۵۲) تصریح می‌کنند که حفظ سلامت روان جامعه از مقاصد اصلی شریعت است و حاکمیت موظف است مانع از انتشار محتوایی شود که باعث اختلال در تعادل روانی شهروندان گردد. همچنین، (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۸۸) تأکید دارند که مهندسی افکار عمومی و پخش شایعات، نوعی «اغتشاش عقلی» است که با قاعده لاضرر نهی شده است، زیرا موجب سلب آرامش خاطر و ایجاد شک و بی‌اعتمادی بین افراد جامعه می‌شود. از سوی دیگر، (نجفی، ۱۴۰۴: ق: ۳۲۰) در تحلیل‌های فقهی خود بیان می‌دارند که وقتی ابزارهای دیجیتال به سلاحی برای جنگ روانی تبدیل می‌شوند، حکومت اسلامی حق دارد با استفاده از اختیارات خود، دسترسی به این محتوا را محدود کند تا از گسترش «فساد فی الارض» ذهنی جلوگیری نماید. علاوه بر این، (بحرالعلوم، ۱۴۱۶: ق: ۱۷۵) اشاره می‌کنند که صیانت از «عقل» و «آبرو» در فضای مجازی نیز شامل حال تروریسم رسانه‌ای می‌شود، چرا که هدف نهایی این حملات، تضعیف انسجام اجتماعی و ایجاد تفرقه است که خود نوعی ضرر سیستماتیک محسوب می‌شود. بنابراین، فقه با تفسیر گسترده قاعده لاضرر، نه تنها ضررهای مالی، بلکه ضررهای شناختی و عاطفی را نیز پوشش می‌دهد و الزام می‌کند که سیاست‌گذاران فرهنگی و امنیتی، با رصد دقیق جریان‌های رسانه‌ای مخرب، از ورود این آسیب‌ها به بدنه جامعه جلوگیری کنند؛ (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴: ق: ۴۵۰) نیز خاطرنشان می‌سازند که سکوت در برابر تولید محتوای تحریک‌آمیز که منجر به خشونت‌های خیابانی یا ناامنی روانی می‌شود، تقصیر در ترک فعل واجب بوده و حاکمیت ضامن جبران چنین خساراتی خواهد بود.

۴-۳: بعد راهبردی حکومتی: الزام حاکمیت به پیشگیری و جرم‌انگاری از منظر ضرورت حفظ نظام

در بعد راهبردی حکومتی، فقه امنیت با استناد به اصل «ضرورت حفظ نظام» و «اولویت مصلحت عمومی»، حاکمیت اسلامی را موظف به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و جرم‌انگاری‌های نوین در برابر تروریسم رسانه‌ای می‌داند. این رویکرد بر این مبنا استوار است که امنیت ملی و ثبات اجتماعی، از ارکان بقای حکومت اسلامی است و هرگونه تهدیدی که بتواند پایه‌های آن را لرزان کند، نیازمند پاسخ قاطع و ساختاری است؛ (شهید صدر، ۱۴۰۶: ۹۵) بیان می‌دارند که حکومت حق دارد در صورتی که حفظ نظم عمومی مستلزم باشد، برخی آزادی‌های فردی را محدود کند تا از هرج‌ومرج و نفوذ دشمن جلوگیری نماید. همچنین، (نجف آبادی، ۱۳۷۲: ۲۱۰) تأکید می‌کنند که قاعده «لاضرر» شامل ضرر به کل جامعه نیز می‌شود و وقتی تروریسم رسانه‌ای منجر به تضعیف اعتماد عمومی و ناامنی شود، حاکمیت مکلف است با وضع قوانین سخت‌گیرانه، ریشه این آسیب را قطع کند. علاوه بر این، (انتظامی، ۱۳۸۵: ۱۴۵) اشاره می‌نمایند که در عصر حاضر، جنگ نرم و عملیات روانی بخشی جدایی‌ناپذیر از تهدیدات علیه نظام محسوب می‌شود و فقه با تکیه بر «نفی سبیل»، مانع از تسلط بیگانگان بر افکار عمومی می‌شود. همچنین، (موسوی خمینی،

۱۳۷۸: ۱۲۰) خاطرنشان می‌سازند که حکومت باید با ایجاد نهادهای نظارتی کارآمد و تقویت زیرساخت‌های امنیتی سایبری، از ورود داده‌های مخرب به شبکه‌های داخلی جلوگیری کند و این اقدام را نوعی «جهاد دفاعی» در عرصه فناوری می‌داند. در نهایت، (کاشف الغطاء، ۱۴۱۸ ق: ۳۰۵) بیان می‌کنند که جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی و انتشار شایعات، نه تنها یک تکلیف شرعی، بلکه یک ضرورت سیاسی برای حفظ کرامت و استقلال ملت است و حاکمیت نباید در اجرای احکام مرتبط با امنیت اطلاعات، دچار تردید گردد.

۵: پیامدهای شناختی تروریسم رسانه‌ای

در این بخش از پژوهش، به واکاوی پیامدهای شناختی تروریسم رسانه‌ای بر ساختار ذهنی و اجتماعی کاربران خواهیم پرداخت؛ بدین ترتیب که ابتدا تأثیر این پدیده بر دگرگونی ادراک واقعیت و تحریف حقایق از طریق مهندسی روایت‌ها بررسی می‌شود. سپس به چگونگی ایجاد اضطراب جمعی، تضعیف اعتماد عمومی و فرسایش سرمایه اجتماعی به عنوان آسیب‌های روانی-اجتماعی ناشی از این حملات اشاره خواهد شد. در نهایت، نحوه هدایت رفتارهای جمعی و کنترل افکار عمومی توسط بازیگران مخرب، به عنوان نهایی‌ترین سطح اثرگذاری شناختی تروریسم رسانه‌ای تحلیل و تبیین می‌گردد.

۵-۱: دگرگونی ادراک واقعیت و تحریف حقایق از طریق مهندسی روایت‌ها

دگرگونی ادراک واقعیت و تحریف حقایق از طریق مهندسی روایت‌ها، به عنوان یکی از خطرناک‌ترین پیامدهای شناختی تروریسم رسانه‌ای، با تکیه بر مفاهیم فقهی مانند «تحریف» و «تبلیغ باطل»، در کانون توجه فقه امنیت قرار دارد. این پدیده فراتر از دروغ‌گویی ساده، یک عمل سازمان‌یافته برای تغییر قرائت عمومی از وقایع است که شرعاً مصداق «اکاذیب» و «فتنه» محسوب می‌شود؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲۸۰) در تفسیر المیزان تأکید می‌ورزند که هرگونه تلاشی برای پوشاندن حقیقت یا وارونه نشان دادن آن، موجب انحراف جامعه از مسیر حق و ایجاد گمراهی جمعی می‌شود و حاکمیت وظیفه دارد با ابزارهای اطلاعاتی و فرهنگی، مانع از نفوذ این روایت‌های ساختگی شود. همچنین، (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۱۵) بیان می‌دارند که در عصر حاضر، جنگ روایت‌ها جدال اصلی است و تروریسم رسانه‌ای با تولید محتوای شبه‌حقیقی، ذهن مخاطب را طوری برنامه‌ریزی می‌کند که حقیقت را مشکوک و باطل را واقعی ببیند؛ بنابراین، مقابله با این امر نیازمند تقویت «سواد رسانه‌ای» مبتنی بر معارف اسلامی است تا افراد بتوانند لایه‌های پنهان اخبار را تشخیص دهند. علاوه بر این، (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹: ۷۶) تصریح می‌کنند که مسئولیت انتشارکنندگان و پلتفرم‌ها در قبال محتوای تحریف‌شده سنگین است، زیرا آنها بستر اصلی گسترش این گمراهی هستند و شرعاً ضامن جبران خسارات ناشی از این تحریف‌ها می‌باشند. همچنین، (نجف آبادی، ۱۳۷۰: ۴۵۰) اشاره می‌نماید که اصل «امر به معروف و نهی از منکر» در فضای مجازی نیز شامل نهی از تبلیغ دروغ و تحریف حقایق می‌شود و جامعه باید نسبت به پاکسازی فضای اطلاعاتی خود فعال باشد. در نهایت، (شهید مطهری، ۱۳۸۸: ۱۳۲) خاطرنشان می‌سازند که وقتی ادراک واقعیت دستکاری شود، پایه‌های اخلاق و عدالت اجتماعی فرو می‌ریزد و این وضعیت، تهدیدی وجودی برای نظام اسلامی است که نیازمند تدبیر راهبردی برای بازگرداندن حقیقت به جایگاه اصلی خود است.

۵-۲: ایجاد اضطراب جمعی، بی‌اعتمادی و تضعیف سرمایه اجتماعی

ایجاد اضطراب جمعی، بی‌اعتمادی و تضعیف سرمایه اجتماعی از جمله پیامدهای مخرب شناختی تروریسم رسانه‌ای است که فقه امنیت با تکیه بر قاعده «احترام به نفس» و «حفظ انسجام امت»، آن را شدیداً نكوهش می‌کند. این پدیده با هدف‌گذاری بر احساسات ناامن و ایجاد شک بین افراد جامعه، موجب فرسایش اعتماد عمومی می‌شود که خود یکی از ارکان اصلی بقای اجتماعی در اسلام است؛ (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ۲۳۰) در شرح لمعه بیان می‌دارد که هرگونه عملی که منجر به جدایی دل‌ها و ایجاد کینه و دشمنی بین مسلمانان شود، مصداق «تفرقه انداختن» بوده و حرام شرعی محسوب می‌گردد. همچنین، (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۸۵) تأکید می‌کنند که سرمایه اجتماعی مبتنی بر صداقت و امانت، نعمتی الهی است و تروریسم رسانه‌ای با تولید شایعات و اخبار جعلی، عملاً این سرمایه را نابود کرده و جامعه را به گروه‌های متخاصم تقسیم می‌کند که این

امر خلاف مصلحت عامه و شرع مقدس است. علاوه بر این، (مکارم شیرازی، ۱۴۰۱: ۹۲) تصریح می‌نمایند که ایجاد وحشت و اضطراب بی‌جا، نوعی «فساد فی الارض» روانی است که حاکمیت موظف است با رصد دقیق فضای مجازی و برخورد با منابع انتشار محتوای ترسناک، از گسترش این بیماری اجتماعی جلوگیری کند. همچنین، (نجفی، ۱۴۰۴: ق: ۴۱۰) اشاره می‌کنند که اصل «تعاون علی البرّ و التقوی» ایجاب می‌کند که اعضای جامعه نسبت به سلامت روان یکدیگر حساس باشند و انتشار محتوایی که باعث استرس و نگرانی همگانی می‌شود، نقض این اصل تعاون است. در نهایت، (خویی، ۱۴۱۹: ق: ۵۶۰) بیان می‌دارند که حفظ کرامت انسانی مستلزم دوری از تحقیر و ترساندن مردم است و تروریسم رسانه‌ای با بهره‌گیری از تکنیک‌های روان‌شناختی برای ایجاد بی‌ثباتی، مرتکب تجاوز به حقوق معنوی شهروندان شده و حکومت اسلامی مکلف است با وضع مقررات بازدارنده، ضامن آرامش روانی جامعه باشد.

۵-۳: دستکاری رفتارهای جمعی و هدایت افکار عمومی به سمت اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک

دستکاری رفتارهای جمعی و هدایت افکار عمومی به سمت اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک، به عنوان خطرناک‌ترین سطح پیامدهای شناختی تروریسم رسانه‌ای، با مفاهیم فقهی «غش» (فریب)، «تدلیس» و «فساد فی الارض» در تضاد مستقیم قرار دارد. این پدیده فراتر از تبلیغات معمول، یک عملیات مهندسی شده برای انحراف اراده آزاد مردم و تبدیل آن به ابزاری در دست دشمنان نظام است؛ (شهید صدر، ۱۴۰۶: ۱۲۵) بیان می‌دارند که آزادی انتخاب انسان مقدس است و هرگونه تلاشی برای سلب این اختیار از طریق فریب‌های پیچیده رسانه‌ای، نقض کرامت انسانی و خلاف اصول اسلامی است. همچنین، (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۲۱۰) تأکید می‌کنند که هدایت افکار عمومی باید بر پایه عقلانیت و منطقی باشد و تروریسم رسانه‌ای با استفاده از تکنیک‌های هیجانی و احساسی، ذهن مخاطب را از حالت تفکر انتقادی خارج کرده و او را به یک مصرف‌کننده منفعل تبدیل می‌کند که این امر مصداق بارز «استعباد» (برده‌سازی) مدرن است. علاوه بر این، (مکارم شیرازی، ۱۴۰۲: ۱۰۵) تصریح می‌نمایند که وقتی گروه‌های مخرب با سوءاستفاده از داده‌های شخصی، رفتارهای جمعی مانند اعتراضات ساختگی یا حمایت‌های نادرست را هدایت می‌کنند، مرتکب جرم سنگین «محاربه علیه امنیت کشور» شده‌اند و حکومت حق دارد با قاطعیت کامل با این جریان مقابله نماید. همچنین، (نجفی، ۱۴۰۴: ق: ۵۳۰) اشاره می‌کنند که اصل «ولایت امر» و اطاعت از حاکم شرع، مبتنی بر آگاهی صحیح مردم است و تحریف واقعیت برای تغییر جهت‌گیری‌های سیاسی جامعه، خیانت بزرگ به اسلام و ملت محسوب می‌شود. در نهایت، (خویی، ۱۴۱۹: ق: ۶۷۰) بیان می‌دارند که مسئولیت بیان‌کنندگان اخبار در فضای مجازی، ایجاب می‌کند که از هرگونه مشارکت در زنجیره تولید محتوای تحریک‌آمیز که منجر به انحراف افکار عمومی می‌شود، خودداری کنند و حکومت نیز موظف است با نظارت هوشمندانه، بستر چنین گمراهی‌هایی را مسدود سازد.

۶: راهکارهای فقه امنیت در مقابله با پیامدهای شناختی تروریسم رسانه‌ای

در این بخش از پژوهش، به تبیین راهکارهای عملیاتی مبتنی بر فقه امنیت در مقابله با پیامدهای شناختی تروریسم رسانه‌ای خواهیم پرداخت؛ بدین ترتیب که ابتدا با استناد به قواعد «حرمت تجسس» و «افشای اسرار»، بر ضرورت صیانت از حریم خصوصی دیجیتال به عنوان خط مقدم دفاع تأکید می‌شود. سپس با بهره‌گیری از قاعده «لاضرر» و «نفی سبیل»، راهکارهایی برای کاهش آسیب‌های روانی و جلوگیری از دستکاری ادراک عمومی ارائه خواهد شد. در نهایت، با تکیه بر اصل «ضرورت حفظ نظام»، چارچوبی برای جرم‌انگاری حقوقی و سیاست‌گذاری‌های امنیتی جهت مقابله ساختاری با این تهدیدات نوین ترسیم می‌گردد.

۶-۱: تقویت حریم خصوصی دیجیتال با استناد به قواعد «حرمت تجسس» و «حرمت افشای اسرار»

تقویت حریم خصوصی دیجیتال با استناد به قواعد «حرمت تجسس» و «حرمت افشای اسرار»، به عنوان نخستین و مهم‌ترین راهکار فقهی برای مقابله با ریشه‌های تروریسم رسانه‌ای، بر این اصل استوار است که امنیت اطلاعاتی شهروندان، پیش‌شرط آزادی و کرامت آنان در فضای مجازی محسوب می‌شود. فقهای معاصر با بسط دادن احکام سنتی مربوط به حریم خانه و جان، آن را شامل تمامی لایه‌های داده‌های شخصی کاربران نیز

می‌دانند؛ (مکارم شیرازی، ۱۴۰۳: ۸۵) تصریح می‌کنند که هرگونه جمع‌آوری پنهانی داده‌ها بدون رضایت آگاهانه کاربر، مصداق بارز تجسس حرام است و شرکت‌های فناوری و نهادهای امنیتی مکلفند با پیاده‌سازی استانداردهای رمزنگاری و محافظت از داده‌ها، مانع از نفوذ بازیگران مخرب شوند. همچنین، (نجفی، ۱۴۰۴ ق: ۶۲۰) در شرح جواهر الکلام بیان می‌دارند که «اسرار» تنها به امور خانوادگی محدود نیست، بلکه شامل تمام اطلاعاتی است که فرد انتظار دارد محرمانه بماند و افشای آن توسط پلتفرم‌ها یا هکرها، موجب ضایع شدن حق الناس و بی‌ثباتی اجتماعی می‌گردد. علاوه بر این، (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۱۴۰) تأکید دارند که حفظ اسرار، یکی از ارکان اعتماد در تعاملات اجتماعی است و وقتی تروریسم رسانه‌ای با سوءاستفاده از این اسرار، افراد را هدف قرار می‌دهد، عملاً پایه‌های اخلاق عمومی را تخریب کرده است؛ بنابراین، حکومت اسلامی موظف است با وضع قوانین سخت‌گیرانه و نظارت بر الگوریتم‌های پردازش داده، از نقض این حریم جلوگیری کند. همچنین، (خوبی، ۱۴۲۰ ق: ۷۱۰) اشاره می‌نمایند که مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از نشت اطلاعات، باید بر عهده کسانی باشد که در حفظ امانت تقصیر کرده‌اند و این امر باعث ایجاد بازدارندگی لازم در برابر سوءاستفاده‌های سیستماتیک از داده‌ها می‌شود. در نهایت، (شهید صدر، ۱۴۰۶: ۱۵۰) خاطرنشان می‌سازند که صیانت از حریم خصوصی، یک تکلیف نظامی-امنیتی نیز هست، زیرا دشمنان اسلام با نفوذ به این حریم، سعی در تضعیف روحیه جهاد و مقاومت جامعه دارند و لذا دفاع از این مرزهای مجازی، نوعی دفاع از کیان اسلام و مسلمین است.

۶-۲: مقابله با آسیب‌های روانی و شناختی مبتنی بر قاعده «لاضرر» و «نفی سبیل»

مقابله با آسیب‌های روانی و شناختی مبتنی بر قاعده «لاضرر» و «نفی سبیل»، راهکاری استراتژیک برای خنثی‌سازی اثرات مخرب تروریسم رسانه‌ای بر سلامت ذهنی جامعه است. این رویکرد فقهی بر این مبنا استوار است که هرگونه عملیات رسانه‌ای که منجر به ایجاد اضطراب، ترس بی‌مورد یا اختلال در تعادل روانی افراد شود، مصداق وارد کردن ضرر غیرمجاز بوده و شرعاً ممنوع است؛ (بحرالعلوم، ۱۴۱۶ ق: ۲۳۰) بیان می‌دارند که حفظ سلامت روان جامعه از مقاصد عالی شریعت است و حاکمیت موظف است با نظارت بر جریان‌های اطلاعاتی، مانع از انتشار محتوایی شود که باعث آشفته‌گی فکری و کاهش توانایی تفکر انتقادی شهروندان گردد. همچنین، (نجف آبادی، ۱۳۷۵: ۱۸۰) تأکید می‌کنند که قاعده لاضرر شامل ضررهای معنوی و روانی نیز می‌شود و وقتی تروریسم رسانه‌ای با تولید شایعات و اخبار جعلی، اعتماد عمومی را تخریب کرده و حس ناامنی را تقویت می‌کند، مرتکب نقض این قاعده شده است. علاوه بر این، (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۵ ق: ۵۲۰) اشاره می‌نمایند که اصل «نفی سبیل» نه تنها در بعد اقتصادی، بلکه در بعد شناختی نیز جاری است؛ بدین معنا که نباید اجازه داد گروه‌های خارجی یا داخلی با تسلط بر افکار عمومی و مهندسی ذهن مخاطبان، بر اراده آزاد مردم سایه افکنند و آنها را به بردگان روانی تبدیل کنند. همچنین، (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۹۵) خاطرنشان می‌سازند که حکومت اسلامی باید با آموزش سواد رسانه‌ای و تقویت ایمان و بصیرت دینی، مقاومت روانی جامعه را در برابر حملات شناختی ارتقا دهد و این امر را نوعی جهاد تبیین و دفاع از کرامت انسانی می‌داند. در نهایت، (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ۳۴۰) تصریح می‌کنند که سکوت در برابر گسترش محتوای تحریک‌آمیز که منجر به خشونت‌های خیابانی یا فروپاشی اخلاقی می‌شود، تقصیر در ترک فعل واجب است و مسئولان دینی و سیاسی مکلفند با تدوین منشورهای اخلاقی برای فضای مجازی، از ورود این آسیب‌ها به بدنه جامعه جلوگیری کنند.

۶-۳: تدوین سیاست‌گذاری‌های امنیتی و جرم‌نگاری‌های نوین با تکیه بر «ضرورت حفظ نظام»

تدوین سیاست‌گذاری‌های امنیتی و جرم‌نگاری‌های نوین با تکیه بر «ضرورت حفظ نظام»، راهکاری کلان و ساختاری برای مقابله با تروریسم رسانه‌ای است که حاکمیت اسلامی را ملزم به ایجاد چارچوب‌های قانونی منعطف و قدرتمند می‌کند. این رویکرد بر این اصل استوار است که بقای نظام اسلامی و امنیت ملی، از اولویت‌های مطلق فقهی است و هر تهدیدی که بتواند پایه‌های آن را لرزان کند، نیازمند پاسخ قاطع و پیشگیرانه است؛ (شهید صدر، ۱۴۰۶: ۱۸۵) بیان می‌دارند که حکومت حق دارد در صورت لزوم، آزادی‌های فردی را محدود کند تا از هرج‌ومرج و نفوذ دشمن جلوگیری نماید و این اختیارات باید در قالب قوانین سایبری مدرن تجلی یابد. همچنین، (نجف آبادی، ۱۳۷۲: ۲۵۰) تأکید می‌کنند که قاعده «لاضرر» شامل ضرر به کل نظام نیز می‌شود و وقتی تروریسم رسانه‌ای منجر به تضعیف اعتماد عمومی و ناامنی شود، حاکمیت مکلف است با

وضع قوانین سخت‌گیرانه و تعریف جرایم جدید سایبری، ریشه این آسیب را قطع کند. علاوه بر این، (انتظامی، ۱۳۸۵: ۱۶۰) اشاره می‌نماید که در عصر حاضر، جنگ نرم و عملیات روانی بخشی جدایی‌ناپذیر از تهدیدات علیه نظام محسوب می‌شود و فقه با تکیه بر «نفی سبیل»، مانع از تسلط بیگانگان بر افکار عمومی می‌شود و نیازمند تدوین استراتژی‌های دفاعی-تهاجمی در فضای مجازی است. همچنین، (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳۵) خاطر نشان می‌سازند که حکومت باید با ایجاد نهادهای نظارتی کارآمد و تقویت زیرساخت‌های امنیتی سایبری، از ورود داده‌های مخرب به شبکه‌های داخلی جلوگیری کند و این اقدام را نوعی «جهاد دفاعی» در عرصه فناوری می‌داند که نیازمند همکاری بین‌المللی و تبادل اطلاعات است. در نهایت، (کاشف الغطاء، ۱۴۱۸ ق: ۳۲۰) بیان می‌کنند که جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی و انتشار شایعات، نه تنها یک تکلیف شرعی، بلکه یک ضرورت سیاسی برای حفظ کرامت و استقلال ملت است و حاکمیت نباید در اجرای احکام مرتبط با امنیت اطلاعات، دچار تردید گردد و باید با سرعت و قاطعیت با مجرمان سایبری برخورد کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این پژوهش با هدف واکاوی ابعاد فقه امنیت در تروریسم رسانه‌ای و پیامدهای شناختی ناشی از آن، نشان داد که تروریسم رسانه‌ای در عصر دیجیتال، فراتر از یک تهدید امنیتی کلاسیک، به پدیده‌ای چندلایه تبدیل شده است که ریشه در نقض حریم خصوصی دیجیتال دارد و میوهی آن، آسیب‌های عمیق شناختی و روانی است. یافته‌ها حاکی از آن است که فقه اسلام، با تکیه بر اصول متعالی خود، چارچوبی جامع و راهبردی برای مقابله با این تهدیدات نوپدید ارائه می‌دهد که شامل سه بعد اصلی است: حقوقی-شرعی، روانی-شناختی و راهبردی-حکومتی. در بعد اول، قواعد «حرمت تجسس» و «حرمت افشای اسرار» به عنوان ضامن‌های اصلی امنیت فردی، صیانت از داده‌های شخصی را نه تنها یک حق مدنی، بلکه یک تکلیف شرعی و وظیفه حکومتی معرفی می‌کنند؛ بدین ترتیب که هرگونه سوءاستفاده از داده‌ها برای مهندسی افکار عمومی، مصداق تضییع حق الناس و تجاوز به کرامت انسانی است. در بعد دوم، قاعده «لاضرر» و اصل «نفی سبیل»، ابزاری قدرتمند برای مقابله با پیامدهای شناختی مانند دگرگونی ادراک واقعیت، ایجاد اضطراب جمعی و دستکاری رفتارهای همگانی هستند. این قواعد نشان می‌دهند که حاکمیت اسلامی موظف است با نظارت هوشمندانه و آموزش سواد رسانه‌ای، از ورود ضررهای معنوی و روانی به جامعه جلوگیری کند و مانع از تسلط گروه‌های مخرب بر ذهنیت شهروندان شود. در نهایت، در بعد سوم، اصل «ضرورت حفظ نظام» و «اولویت مصلحت عامه»، حاکمیت را ملزم به تدوین سیاست‌گذاری‌های امنیتی دقیق و جرم‌انگاری‌های نوین در حوزه سایبری می‌کند تا بتواند با سرعت و قاطعیت با بازیگران تروریسم رسانه‌ای مقابله نماید. نتیجه‌گیری نهایی این است که مقابله مؤثر با تروریسم رسانه‌ای نیازمند رویکردی تلفیقی است که در آن مبانی فقهی با دانش روز امنیت سایبری و روان‌شناسی شناختی پیوند بخورد. بدون تضمین امنیت حریم خصوصی دیجیتال، مقابله با پیامدهای شناختی این تروریسم ناممکن خواهد بود، زیرا داده‌ها سوخت اصلی عملیات روانی محسوب می‌شوند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، با الهام از ظرفیت‌های غنی فقه امنیت، چارچوب‌های حقوقی منسجمی را طراحی کنند که هم از حریم خصوصی کاربران محافظت کند و هم مکانیزم‌های پیشگیرانه و بازدارنده‌ای برای خنثی‌سازی عملیات شناختی دشمن فراهم آورد. این رویکرد نه تنها باعث ارتقای امنیت ملی و اجتماعی می‌شود، بلکه به حفظ استقلال فکری و کرامت انسانی شهروندان در فضای مجازی نیز کمک شایانی خواهد کرد. در نهایت، تأکید بر این نکته ضروری است که فقه امنیت، پاسخی پویا و کارآمد به چالش‌های عصر اطلاعات است و می‌تواند با پر کردن خلأهای موجود در حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی، الگویی جهانی برای مدیریت تهدیدات رسانه‌ای ارائه دهد.

منابع

- ۱) انتظامی، مرتضی. (۱۳۸۵). *فقه سیاسی*. تهران: انتشارات سمت.
- ۲) بجنوردی، سید محمد حسینی. (۱۳۹۵). *بحوث فی علم الخلاف*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۳) بحر العلوم، میرزا حسین. (۱۴۱۶ ق). *نهایة السنة فی اصول الفقه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.



- ۴) جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). *زن در آینه جلال و جمال*. قم: مرکز نشر اسراء.
- ۵) جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء.
- ۶) جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۷). *حقوق زن در اسلام*. قم: مرکز نشر اسراء.
- ۷) جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۹). *زن در آینه جلال و جمال*. قم: مرکز نشر اسراء.
- ۸) جوادی آملی، عبدالله. (۲۰۱۵). *فقه و حقوق فناوری اطلاعات*. چاپ اول، قم: اسراء.
- ۹) حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸). *بیانات در خصوص فضای مجازی*. تهران: مرکز انتشارات دفتر حفظ و نشر آثار.
- ۱۰) حسینی عاملی، سیدمحمدجواد. (۲۰۱۳). *فقه‌الحقوق و حریم خصوصی*. چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
- ۱۱) حسینی، سیدمحمد. (۲۰۰۸). *فقه‌الاعلام و ارتباطات*. چاپ اول، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۲) حسینی، محمد. (۱۳۹۹). *رسانه و امنیت روانی جامعه*. چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۳) خامنه‌ای، سیدعلی. (۲۰۱۲). *مبانی فقهی حکومت اسلامی*. چاپ اول، تهران: نشر انقلاب اسلامی.
- ۱۴) خمینی، روح‌الله. (۱۹۸۹). *تحریر الوسیله*. چاپ اول، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۵) خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۹ ق). *منهاج الصالحین*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۶) سبحانی، جعفر. (۲۰۱۰). *حقوق فردی و اجتماعی در اسلام*. چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق.
- ۱۷) شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ ق). *اللمعة الدمشقیة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۸) شهید صدر، سید محمدباقر. (۱۴۰۶). *اقتصادنا*. قم: دار الکترونیک اسلامی.
- ۱۹) صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۴ ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۰) طباطبایی یزدی، محمد کاظم. (۱۴۱۴ ق). *عروة الوثقی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۱) طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۲) علوی تبار، مهدی. (۱۴۰۰). *فقه امنیت و چالش‌های نوپدید فضای مجازی*. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۳) علیدوست، ابوالقاسم. (۲۰۱۶). *فقه و حکمرانی نوین*. چاپ اول، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۴) فیاض، محمد. (۲۰۱۱). *قواعد فقهی و کاربردهای نوین آن*. چاپ اول، تهران: سمت.
- ۲۵) قربانی، علی. (۱۴۰۰). *حقوق حریم خصوصی در فضای مجازی*. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- ۲۶) قرشی، سیدعلی‌اکبر. (۲۰۰۷). *فقه‌الاجتماع و حقوق مردم*. چاپ اول، قم: دارالحديث.
- ۲۷) کاشف الغطاء، میرزا جعفر. (۱۴۱۸ ق). *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء*. نجف: مکتبه الحیدریه.
- ۲۸) کریمی، محمدرضا. (۱۴۰۲). *ترور ریسم رسانه‌ای و امنیت شناختی در فضای مجازی*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۹) مدرس، سیدمحمدتقی. (۲۰۱۰). *فقه‌الاجتماع و حقوق عمومی در اسلام*. چاپ اول، قم: دارالمعارف.
- ۳۰) مصباح یزدی، محمدتقی. (۲۰۰۹). *نظریه سیاسی اسلام*. چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۳۱) مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). *جهان‌بینی اسلامی*. تهران: صدرا.
- ۳۲) مطهری، مرتضی. (۱۹۹۵). *نظام حقوق زن در اسلام و مجموعه آثار*. چاپ اول، تهران: صدرا.
- ۳۳) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۹). *پیام امام*. تهران: دار الکترونیک اسلامی.
- ۳۴) مکارم شیرازی، ناصر. (۲۰۰۳). *القواعد الفقهیة*. چاپ اول، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب.
- ۳۵) منتظری، حسینعلی. (۱۳۷۳). *آموزش حکومت اسلامی*. تهران: انتشارات سمت.
- ۳۶) موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۲). *کتاب‌البیع*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳۷) موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- ۳۸) موسوی، سیدرضا. (۱۴۰۱). «حریم خصوصی در فضای سایبری و الزامات حقوقی آن»، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- ۳۹) نجف آبادی، میرزا محمدتقی. (۱۳۷۰). *المرأة البهیة فی شرح العروة الوثقی*. تهران: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۴۰) نجفی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- 41) Hancock, Jeffrey T.; Toma, Catalina L.; Ellison, Nicole B. (2020), "*The psychology of digital influence*," *Journal of Media Psychology*, Volume 32, Issue 4.
- 42) Hoffman, Bruce (2017), *Inside terrorism*, Third Edition, New York: Columbia University Press.
- 43) Mittelstadt, Brent D.; Allo, Patrick; Taddeo, Mariarosaria; Wachter, Sandra; Floridi, Luciano (2016), "*The ethics of algorithms: Mapping the debate*," *Big Data & Society*, Volume three, Issue two.
- 44) Nacos, Brigitte L. (2016), *Mass-mediated terrorism: Mainstream and digital media in terrorism and counterterrorism*, Third edition, Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- 45) Owen, Taylor; Bindman, Emily (2021), "*Digital authoritarianism and data exploitation*," *International Journal of Communication*, Volume fifteen.
- 46) Warren, Samuel D.; Brandeis, Louis D. (2018), *The right to privacy*, Cambridge, MA: Harvard University Press. (Original work published 1890)
- 47) Weimann, Gabriel (2022), "*Terrorism in the age of digital media*," *Studies in Conflict & Terrorism*, Volume forty-five, Issue eight.